### اشاره

 در بحث جدید با عنوان مفاهیم به چند نکته مقدماتی اشاره شد و جایگاه این بحث و نیز حد و مرز این مسأله روشن شد و نیز در ادامه به تعیین مقصود از بحث مفاهیم پرداختیم.

**ادامه نکته چهارم:** در تحلیل دلالت التزامی و ارجاع آن به نوع پیوند تکوینی بین مدالیل و نه دال‌ها!؟

دلالت دال بر مدلول التزامی، ترکیبی از دو دلالت است؛ دلالت لفظی و دلالت تکوینی؛ دلالت لفظ بر معنای اول(موضوع له لفظ) و دلالت معنی بر لازم معنایی خود (دلالت عرفی و یا عقلی).

دلالت التزامی با واسطه محقق می‌شود، چراکه در یک مرحله، ارتباط بین لفظ و معنای خودش برقرار می‌شود و در مرحله بعد ارتباط بین معنی و لازم معنایی‌اش برقرار می‌شود؛ با این وصف تمام این دلالات التزامی را «لفظی» نمی‌دانیم، چراکه برای صدق دلالت لفظی بر یک ارتباط دلالی خاص، آن دلالت معنایی باید از درجه‌ای بالا از وضوح بهره‌مند باشد و گر نه بدون وضوح داشتن، دلالت لفظی خوانده نمی‌شود.

**نکته پنجم:** انواع تقسیمات در دو معنی ملازم هم در دلالت التزامی

بحث دیگر در دلالت التزامی، در مورد رابطه بین معنی و لازم معنی است، این بحث همان ملازمه بین معنی و لازم معنی است که چند قسم دارد؛ تقسیم اول اینکه ملازمه یا عقلی و یا عرفی است؛ و تقسیم دوم اینکه این ملازمه یا شفاف و یا متوسط و یا غامض (غیر شفاف) است. و تقسیم سوم در مورد این ملازمه این است که این ملازمه معنایی، گاهی بین مفاهیم مفرد و تصوری است، مثل چتر و باران یا قلم و دوات؛ گاهی هم این ملازمه، بین مفاهیم ترکیبی و تصدیقی است؛ مثل بعث حقیقی از مولا، که ملازمه دارد با فهم وجوب از این بعث حقیقی و یا مثل ملازمه بین حکمی از مولا با حکمی دیگر از او. با این بیان وجهی ندارد که (به خلاف قول منسوب به مرحوم بروجردی) این ملازمه بین معنی و لازم معنایی‌اش، محدود به ملازمه بین دو مدلول تصوری و یا تصدیقی باشد ؟!

این گونه تحقق ملازمه بین دو معنی، یا به حدی از شفافیت می‌رسد که دلالت لفظی خوانده می‌شود و یا اینکه به آن حد نرسیده و مشتمل بر نوعی غموض است که در این صورت دلالت لفظی خواند نمی‌شود و دلالت التزام عقلی دانسته می‌شود. البته این یک مبنای کبروی است که در مورد مصادق صغروی آن باید بحث شود، ولی این کبری قابل دفاع و منطقی است.

تقسیم چهارم در مورد دلالت التزامی که هم متصور است و هم واقع شده و آن این است که گاهی ملازمه به صورت یک درجه‌ای و یک مرحله است و گاهی این ملازمه، زنجیره‌ای و چند مرحله‌ای است که در آن معنای اول با لازمش بدون واسطه ملازمه دارد، ولی گاهی معنی با لازمی که آن هم با لازمی دیگر ملازمه دارد، ارتباط می‌یابد و همینطور... . در این صورت لازم اول بیّن بالمعنی الاخص می‌تواند باشد، ولی لازم اللازم ممکن است، بیّن بالمعنی الاعم و یا غیر بین باشد، نظیر ملازمه‌ای که بین این مفاهیم متسلسل برقرار می‌شود، «چتر» ملازمه با «باران» دارد و آن هم ملازمه با «ابر» دارد و ممکن است ادعای ملازمه بین «ابر» و مفهومی مثل «تاریکی» بشود و ... . و بدیهی است که هنر استعدادهای بزرگ در این است که این زنجیره را پشت سر هم ردیف کنند و ظرافت این ملازمات را و دلالات التزامی در ادله لفظی را کشف کنند.

بدین ترتیب بیان شد که، تلازم که مبنای حجیت می‌شود، گاهی به گونه حجیت، ظهوری لفظی است و گاهی حجیت فرا ظهوری و غیر لفظی است که در هر حال این تلازم تقسیماتی چهارگانه دارد که بیان شد.